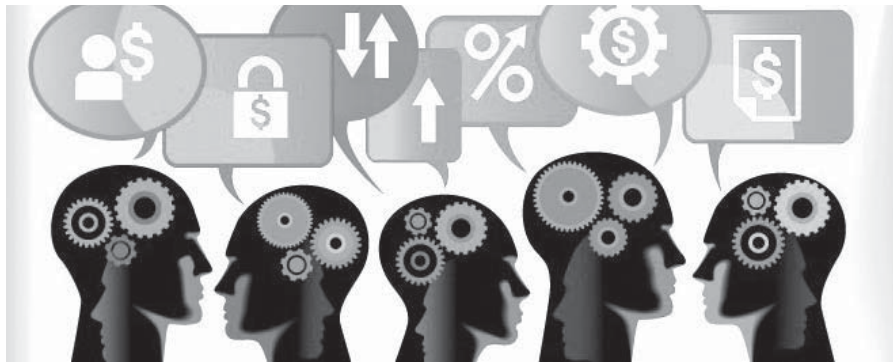




نقطه نظرات فعالان اقتصادی در خصوص مشکلات و راهکارهای

تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق بانک



بتول علیزاده

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان

مقدمه

مهم‌ترین مشکل در محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود. بر اساس بررسی‌های گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در اکثر قریب به اتفاق پایش‌های فصلی محیط کسب‌وکار؛ از بنگاه‌های اقتصادی از سال ۸۹ تاکنون؛ زیر شاخص «مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها» در رأس مشکلات محیط کسب‌وکار قرار داشته است. همین موضوع بهانه‌ای شد تا پای صحبت فعالان اقتصادی استان، در طی جلسات مصاحبه حضوری، بنشینیم و عملکرد بانک‌ها را از دید ایشان مورد بررسی قرار دهیم.

در بحثی دوستانه جمعی منتخب از فعالان عرصه کسب‌وکار استان از مشکلات و دغدغه‌های خود با نظام بانکی کشور صحبت کرده‌اند و مهم‌ترین معضلات خود را از تجربه تأمین مالی به روش تسهیلات بانکی بیان کرده‌اند. در ادامه جمع‌بندی این مباحث در دو حوزه پرداخت و وصول تسهیلات بانکی آمده است.

امروزه نظام بانکی، متشکل از بانک مرکزی و بانک‌های تجاری و موسسه‌های مالی و اعتباری، نقش تعیین‌کننده‌ای در گردش چرخ‌های پیشرفت اقتصادی-اجتماعی دارند. شبکه گسترده بانکی با محوریت بانک مرکزی وظایف مهم و کلیدی چون تسهیل مبادلات تجاری از طریق حفظ و نگهداری پول و حمل‌ونقل آن، و کنترل و هدایت متغیرهای اساسی اقتصاد کلان از طریق اجرای سیاست‌های پولی بر عهده دارد. اما یکی از مهم‌ترین نقش‌های بانک در اقتصاد، تجهیز و تخصیص بهینه منابع است که در این نوشتار بیشتر روی تحلیل ایفای این نقش تمرکز شده است.

با آنکه به ادعای بانک‌ها حجم تسهیلات پرداختی در سال‌های اخیر سیر صعودی داشته، فعالان حوزه کسب‌وکار همچنان اعتقاد دارند که مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها

می‌کنند. این مشکل زمانی حادث می‌شود که شرکت‌های مشاوره مالی که بانک، سرمایه‌گذار را برای تهیه طرح امکان‌سنجی به آن‌ها ارجاع می‌دهد می‌تواند به اقتضا، با عدد سازی طرح‌های توجیه‌ناپذیر را توجیه‌پذیر جلوه دهند و چون کارشناس بانک عموماً نمی‌تواند این موارد را تشخیص دهد به طرح‌های غیر سود ده تسهیلات پرداخت می‌شود که این موضوع تبعات خاصی برای بانک و اقتصاد کشور به همراه دارد.

۳. نرخ سود تسهیلات

نرخ‌های سود بالا در تسهیلات بانکی، از سوی منتخب فعالان اقتصادی به‌عنوان یک دغدغه اساسی و یکی از بزرگ‌ترین معضلات مالی صنعتگران مطرح شده است. به بیان ایشان حاشیه سود تولید در کشور در بهترین شرایط، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است و طبعاً بخش تولید توان پرداخت سود تسهیلات بالاتر از این حاشیه سود را ندارد. به‌علاوه صنایع به‌طور معمول ۲۵۰ روز کاری در سال فعالیت دارند در حالی که سودهای تسهیلات بانکی و جریمه و تأخیرهای آن‌ها بر مبنای سال ۳۶۵ روزه محاسبه و دریافت می‌شود.

به‌عبارت‌دیگر، بانک‌های کشور به‌جای این که واسطه مالی باشند بنگاه اقتصادی شده‌اند، چراکه در عمل اثبات کرده‌اند که به دنبال منافع خود هستند و خود را شریک مالی واقعی نمی‌دانند. در اکثر تسهیلات پرداختی مشتریان قرارداد مشارکت با بانک امضا می‌کنند، به این معنی که بانک باید در سود و زیان طرح شریک سرمایه‌گذار باشد، اما در واقعیت هیچ‌گاه بانک متقبل زیان شریک خود نشده است. در وضعیت درست، اگر بانک خود را شریک بدانند، با بررسی همه جوانب و توجیه‌پذیر بودن واقعی طرح به آن وارد می‌شود، کار سرمایه‌گذار را رصد می‌کند و در حل مشکلات در کنار سرمایه‌گذار می‌ماند. بدین ترتیب نوعی تضمین برای به ثمر رسیدن طرح‌های سرمایه‌گذاری نیز فراهم می‌شود.

۴. وثیقه

مهم‌ترین فاکتور در مشارکت بین بانک و سرمایه‌گذار همچون هر شراکت دیگری اعتمادسازی و شفاف‌سازی دوطرفه است و در صورت جلب این اعتماد دوطرفه حتی نیاز به دریافت وثیقه‌های سنگین از موضوعیت خواهد افتاد. همین عدم وجود اعتماد و شفافیت، هم در مورد بانک و هم در مورد سرمایه‌گذار باعث شده که بانک‌ها در کشور اساساً با سرمایه‌گذار شراکت نکرده‌اند و هر یک به دنبال منافع خود بودند.

الف) پرداخت تسهیلات

موضوعات مطرح‌شده در مورد مبحث پرداخت تسهیلات در پنج سرفصل مهم قرار می‌گیرد:

۱. حجم منابع، ۲. نرخ سود تسهیلات، ۳. دوره بازپرداخت، ۴. وثیقه و ۵. شفافیت عملکرد که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حجم منابع و سپرده‌ها

در سال‌های گذشته بانک‌ها با اعلام نرخ سود علی‌الحساب، اقدام به جذب سپرده نموده‌اند ولی تقریباً هیچ‌گاه سود واقعی پایان دوره و سود علی‌الحساب اعلام‌شده متفاوت نبوده است؛ تا آنجا که در شرایط فعلی از نرخ‌های سود بانکی تلقی قطعی بودن می‌شود. صفر بودن ریسک سرمایه‌گذاری در بانک، در کنار گستردگی شبکه بانکی در کشور ما موجب جذب حداکثری منابع کشور توسط بانک‌ها شده است، به‌طوری‌که باعث شده بانک‌ها عملاً جریان نقدینگی کشور را در اختیار گرفته‌اند و گردش یا راکد بودن نقدینگی کشور کاملاً به عملکرد آن‌ها وابسته شده است. البته این موضوع ماهیتاً بد نیست، اما مشکلی که در این بین وجود دارد عملکرد بانک و حجم زیاد سرمایه‌های ثابت و ساختمان‌های گران‌قیمت بانک‌هاست که نوعی بلوکه کردن این منابع محسوب می‌شود. حقیقت این است که ارزش در گردش نقدینگی تولید می‌شود و گردش نقدینگی به‌مثابه خون پیکر اقتصاد، لازمه حیات اقتصادی کشورهاست. راکد ماندن منابع کشور معضل بزرگی است که به‌زودی دامن‌گیر درجه اول خود بانک در تأمین سود مشتریان و نهایتاً اقتصاد کشور خواهد شد. در واقع حجم منابع جذب‌شده و عدم گردش آن با فربه کردن بانک‌ها میل به تحرک و دغدغه شراکت را از آن‌ها گرفته است. به‌طور کلی در شرایط امروز کشور که بیکاری، عدم نقدینگی و گردش مالی عوامی است که کشور را با بحران روبه‌رو کرده است. به نظر می‌رسد بانک‌ها برای نجات خود و نجات‌بخش تولید کشور باید هرچه سریع‌تر منابع خود را به جریان درآورند.

۲. بررسی طرح‌ها

متأسفانه در کشور در طرح‌های ایجاد یا توسعه‌ای به‌ندرت مدیریت مالی انجام می‌شود و به تحلیل‌های مالی سطحی اکتفا می‌شود. این اتفاق به‌طریق اولی در بانک‌ها تکرار می‌شود، به این معنا که چون کارشناسان اعتبارات بانک عمدتاً تحلیلگر مالی نیستند تنها به بررسی صورت‌حساب سود و زیان شرکت‌ها اکتفا



سخن‌گیری‌های بانک‌های کشور برای دریافت وثیقه، علاوه بر عدم وجود اعتماد دوجانبه بین بانک و متقاضی، شاید ناشی از حجم بالای معوقات بانکی طی سال‌های اخیر باشد که در نهایت باعث شده که در این بین، اصطلاحاً، تر و خشک باهم بسوزند و ملزم به ارائه وثایق سنگین شوند. به هر حال شاید وثیقه‌ها به حل موقت مشکل کمک کنند، ولی حقیقت این است که بدون بررسی و تحلیل ریشه‌ای موضوع و حل قطعی آن، دریافت وثیقه زیاد جز مانع‌تراشی بر سر راه فعالان اقتصادی پیامدی در بر نخواهد داشت.

نکته دیگر در این رابطه این‌که متأسفانه در نظام حقوقی کشور وثیقه تنها به اموال منقول و غیرمنقول اطلاق می‌شود و «فکر» به‌عنوان وثیقه به رسمیت شناخته نمی‌شود. اما در دنیا گاهی میان اعتباردهنده و اعتبار گیرنده نوعی توافق حقوقی صورت می‌گیرد و لزوماً شیء خاصی به‌عنوان وثیقه گذاشته نمی‌شود. بنابراین در کشور ما نیز می‌توان با ایجاد سازوکار خاص، فکر و مالکیت معنوی را به‌عنوان وثیقه به رسمیت شناخت.

۵. شفافیت در عملکرد و بروکراسی اداری

عدم شفافیت بانک در عملکرد خود بسیاری از صنعتگران را خصوصاً در شرایط اقتصادی سال‌های اخیر با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. از جمله مصادیق این موضوع، موردی است که یکی از فعالان اقتصادی منتخب با آن برخورد کرده بود: در مورد یک طرح مناسب که به اطمینان پاسخ مثبت بانک برای تأمین نیمی از سرمایه مورد نیاز، تجهیزات و زیرساخت‌های اولیه تهیه می‌شود، ولی به دلایل نامشخص بانک از پرداخت تسهیلات امتناع می‌کند، پروسه دریافت تسهیلات از بانک دوم نیز آن‌قدر طولانی می‌شود که سرمایه‌گذار با برهه چند برابر شدن نرخ ارز مواجه می‌شود و توجیه‌پذیری طرح از بین می‌رود، ضمن این‌که با متوقف شدن طرح، سرمایه اولیه سرمایه‌گذار نیز تلف شده است.

(ب) وصول تسهیلات

۱. دوره بازپرداخت

از دیگر دغدغه‌های فعالان اقتصادی در مورد تسهیلات بانکی دوره بازپرداخت نامتناسب با دوره‌های بازگشت سرمایه در صنعت عنوان شده است. به گفته ایشان از آنجاکه در تولید، دوره کوتاه‌مدت بازگشت سرمایه، به‌ندرت وجود دارد و بازگشت سرمایه پس از طی پروسه طولانی تولید، بازاریابی، استانداردسازی، عرضه محصول، کسب رضایتمندی مشتری و نگهداری مشتری (که به‌طور معمول حداقل ۲,۵ سال طول می‌کشد) اتفاق می‌افتد، پرداخت تسهیلات زودبازده نمی‌تواند آن‌چنان‌که باید رونقی برای تولیدکنندگان ایجاد کند.

۲. وصول معوقات

در حالی که به استناد آمارهای بانک مرکزی حجم انبوهی از معوقات در دست عده معدودی بلوکه شده است (۲۰۰ دهکار بزرگ بانکی ۵۵ درصد معوقات را در اختیار دارند) و سهم بخش خصوصی در معوقات بانک‌ها اندک است^۲، بانک‌ها بدون توجه به شرایط اقتصادی

بانک‌های کشور به‌جای این‌که واسطه مالی باشند بنگاه اقتصادی شده‌اند، چراکه در عمل اثبات کرده‌اند که به خود را شریک مالی واقعی نمی‌دانند. در اکثر تسهیلات پرداختی مشتریان قرار داد مشارکت با بانک امضا می‌کنند، به این معنی که بانک باید در سود و زیان طرح شریک سرمایه‌گذار باشد، اما در واقعیت هیچ‌گاه بانک متقبل زیان شریک خود نشده است.

۱- سایت بانک مرکزی، گزارش روابط عمومی بانک مرکزی؛ حمید تهران‌فر، معاون نظارتی بانک مرکزی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳
۲- گزارش پژوهشی تحلیلی بر مطالبات بانکی استان کرمان، صادق علیزاده، محمدرضا دهقانپور، اتاق بازرگانی کرمان، تیرماه ۱۳۹۲

بودند، دوباره به سرفصل مطالبات معوق بازگشته‌اند». این در حالی است که بانک‌های پیشرفته دنیا در چنین مواقعی تلاش می‌کنند در مذاکره با مشتری، راهکارهای برون‌رفت از مشکلات را برای او ترسیم کنند تا به‌این‌ترتیب امکان بازپرداخت تسهیلات فراهم شود و از مزمن شدن تسهیلات معوق به نام مشتری و پیامدهای سنگین آن برای او جلوگیری شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

به‌طور کلی می‌توان گفت عمده دغدغه‌های بانکی مطرح‌شده از سوی منتخب فعالان اقتصادی استان، ضرورت گردش منابع جذب‌شده توسط بانک‌ها، عدم بررسی کارشناسی توجیه‌پذیری طرح‌ها، نرخ سود و دوره بازگشت نامتناسب با ماهیت صنعت تولید، وثیقه‌های سنگین، سختگیری در وصول معوقات بخش خصوصی و نهایتاً عدم شفافیت و بروکراسی اداری عنوان‌شده است.

به نظر می‌رسد، با توجه به اهمیت رونق اقتصادی و به دلیل سهم بالای بانک در تأمین مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کشور، ضروری است مکانیزمی طراحی و اجرا شود تا بانک به نقش تسهیلگری در فعالیت‌های اقتصادی روی آورد نه این‌که خود سنگی بر مسیر فعالان اقتصادی باشد. در این راستا منتخب فعالان اقتصادی پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند که در دو حوزه اختیارات قانون‌گذار و اختیارات بانک‌ها قرار می‌گیرند.

در مواردی که به قانون مربوط است و در حیطه اختیارات حکومت قرار دارد، به نظر می‌رسد ضمن این‌که لزوم وجود سیاست‌های حمایتی از سرمایه‌گذاری امری انکارناپذیر است، باید توجه کرد که دولت باید در ارائه این‌چنین طرح‌هایی پس از فراهم کردن پیش‌نیازهای لازم و به‌صورت کاملاً حساب‌شده عمل کند و پس‌از آن با مکانیزم‌های پایشی قوی بر اجرای صحیح آن‌ها نظارت داشته باشد تا دریچه‌ای برای سوءاستفاده فرصت‌طلبان نشوند. به‌طور مشخص دولت باید در مورد قوانین مربوط به وصول معوقات بانکی صنایع، معیاری برای تفکیک بدهکاران بر مبنای علت بدهکاری فراهم کند تا حمایت‌ها برای جبران خسارت‌های ناشی از مشکلات فضای کسب‌وکار باشد و نه سوء مدیریت بنگاه‌ها. به‌علاوه بعد از تشخیص علت اصلی، برای آن دسته که مربوط به شرایط تحمیل‌شده از بیرون بنگاه بر آن‌ها بوده، با در نظر گرفتن توانایی پرداخت صنایع در شرایط فعلی اقتصاد کشور به‌جای تقسیط بلندمدت یا استمهال، طرح‌هایی همچون فریز کردن بدهی برای مدت مشخصی در

کشور در سال‌های اخیر و مشکلات ناشی از این شرایط که دامن‌گیر صنایع شده نسبت به وصول مطالبات خود از فعالان اقتصادی اقدامات سخت‌گیرانه انجام داده‌اند.

در این‌بین دولت به‌منظور حمایت از تولید، طرح‌هایی مانند تقسیط و استمهال بدهی‌های معوق داشته است به‌عنوان مثال قانون‌گذار در ماده ۲۳ قانون رفع موانع تولید و ارتقای نظام مالی تصریح کرده که «در مورد بنگاه‌های تولیدی که به دلیل شرایط کشور طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ دچار مشکل و دارای بدهی سررسید گذشته گردیده‌اند کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی مکلفاند با درخواست بنگاه‌های مذکور به شرط آن‌که تاکنون از تمهیدات استمهال و یا امهال استفاده نکرده باشند با تأیید هیئت‌مدیره برای یک‌بار و با دوره تنفس شش‌ماهه و بازپرداخت سه‌ساله اقدام به تسویه حساب تسهیلات معوق نمایند. جریمه‌های تسهیلات فوق به‌صورت جداگانه محاسبه و در انتهای دوره بازپرداخت و در صورت انجام تعهدات به‌موقع بنگاه تولیدی، مشمول بخشودگی می‌گردد». اگرچه ظاهراً ابلاغ چنین سیاست‌هایی راهگشاست، ولی چون حساب‌شده نبوده و مقدمات و پیش‌نیازهای آن رعایت نشده مشکلاتی به‌همراه داشته است، مثلاً با فقدان معیار مناسب برای تشخیص منشأ ایجاد مشکلات بنگاه‌ها، عملاً مشکلات ناشی از سوء مدیریت بنگاه‌ها نادیده گرفته‌شده و همین مسئله باعث شده اجرای این ماده قانونی، موجب دامن زدن به رقابت ناسالم؛ بین واحدهای بدهکار با واحدهایی که با عملکرد خوب خود معوقات بانکی نداشته‌اند؛ شود. به عبارتی، بانک با این روش برای مشتریان بدحساب خود جایزه بدحسابی در نظر گرفته است! به‌علاوه این امر، عدم پایبندی صنایع به تعهدات خود به امید استمهال بدهی‌ها را به همراه داشته است. نکته قابل‌توجه این‌که این قانون در شرایطی ابلاغ شد که اوضاع اقتصادی کشور رو به بدتر شدن بود، چگونه انتظار می‌رفت بنگاهی که در شرایط به‌مراتب بهتر قادر به پرداخت بدهی‌های خود نبود در شرایط بدتر بدهی‌های خود را بپردازد!

پیش‌از این نیز وجود جریمه‌ها و سودهای مرکب (سود سود) در دوره استمهال باعث شد که نه‌تنها مشکلی از بار مشکلات صنایع بدهکار کم نشود، بلکه سود دوره استمهال نیز به بدهی‌های پیشین افزوده گردد. مؤید این موضوع آماری است که بانک مرکزی سال ۱۳۹۳ عنوان کرده، به گفته این مرکز: «۵۴ درصد مطالبات غیر جاری که بر اساس قوانین بودجه سنواتی طی سه سال ابتدایی دهه اخیر که مجدداً تقسیط شده یا مهلت گرفته

را مورد بررسی شفاف و دقیق مالی قرار دهند تا طرح از جنبه‌های متفاوت مثل هدف از ایجاد، سابقه فعالیت بنگاه، روند پیشرفت مالی، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت طرح و روش‌های دستیابی به آن‌ها و ... مورد تحلیل دقیق قرار گیرد. اگر طرحی بالای ۵۰ درصد سوددهی داشته باشد تشخیص و تأیید پرداخت تسهیلات از هر فرد عادی برمی‌آید، متخصصین بانک باید بتوانند دلایل سودده نبودن بنگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهند و طرح‌های جدید یا اقداماتی که شرکت در جهت سوددهی بیشتر در نظر دارد را آنالیز کنند و بر اساس آن تسهیلات و حتی در صورت لزوم مشاوره ارائه کنند.

۴. مشارکت بانک‌ها در فعالیت تسهیلات گیرنده

لازمه مشارکت واقعی بانک در فعالیت‌های اقتصادی در قالب عقود مشارکتی این است که سوددهی طرح و اهلیت تسهیلات گیرنده، به‌طور دقیق تحلیل شود و بر فعالیت تسهیلات گیرنده نظارت مستمر وجود داشته باشد. در چنین شرایطی بانک‌ها با مشاهده نخستین نشانه‌های بروز مشکل، می‌توانند راهکارهایی را برای اصلاح و بهبود وضع پیش‌آمده ارائه دهند. به‌این ترتیب بانک می‌تواند از وقوع بحران و نارسایی‌های عمیق احتمالی در عملیات تسهیلات گیرنده خصوصاً در محدوده‌های نزدیک به سررسید مطالبات مطلع شده و اقدامات لازم را در راستای جلوگیری از هرگونه وقفه در وصول مطالبات انجام دهد، علاوه بر این، چنین نظارت‌هایی می‌تواند به درک و شناخت عمیق بانک از نوع فعالیت‌های مشتری و مسائل و دغدغه‌های جاری او از جمله نیاز به بازاریابی و فروش و ارائه تسهیلات متناسب با این دغدغه‌ها کمک کند و موجب ایجاد اعتماد و شفافیت عملکرد طرفین خواهد شد. همچنین در صورت ایجاد این اعتماد مشکل ضرورت اخذ وثیقه‌های سنگین و عدم توانایی بازپرداخت تسهیلات هم‌زمان حل خواهد شد، ضمن این‌که فضای فعالیت بانک‌ها به سمت رقابتی شدن هدایت می‌شود.

۵. اولویت‌بندی طرح‌ها برای ارائه تسهیلات

با توجه به انبوه تقاضای تأمین مالی و محدودیت منابع بانک‌ها، مدیریت صحیح و بهینه منابع ضرورت می‌یابد. به نظر می‌رسد در این مورد، بانک باید درخواست‌های دریافتی را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار دهد و با اولویت‌بندی طرح‌های توجیه‌پذیر نیمه‌تمام، به ارائه تسهیلات مبادرت ورزد؛ که لازمه آن تعریف دقیق معیار تشخیص برای توجیه‌پذیر بودن طرح، و ایجاد سازوکارهای لازم برای اولویت‌بندی طرح‌ها از نظر درصد پیشرفت واقعی است.

نظر گرفته شود تا در این مدت، سود و جریمه‌ای به بدهی تعلق نگیرد و بنگاه قادر به پرداخت بدهی خود باشد.

نکته مهم و قابل توجه این‌که این سیاست‌ها و حمایت‌ها نباید در فضای رقابتی بنگاه‌های اقتصادی کشور خللی ایجاد کند، بنابراین باید در کنار تمام تسهیلاتی که برای بنگاه‌های بدهکار ارائه می‌کند، برای واحدهایی که با وجود همه شرایط و مشکلات محیطی خوش‌حساب بوده‌اند و بدهی معوق نداشته‌اند هم به‌عنوان جایزه خوش‌حسابی طرح‌های تشویقی ارائه کند. اما پیشنهادهایی که به عملکرد بانک‌ها برمی‌گردد و باید به‌طور جدی مدنظر قرار دهند به شرح زیر است:

۱. ضرورت وسعت دید بانک‌ها برای جهانی شدن

اقتصاد پایدار جز با حرکت به سمت بازارهای بین‌المللی و عدم اتکا به منابع ناپایدار نفتی برقرار نخواهد شد، بنابراین دیر یا زود تولید کشور وارد محیط رقابتی بین‌المللی می‌شود. بانک‌ها باید خود را برای ارائه تسهیلات در این زمینه و همچنین رقابت با بانک‌های دنیا آماده سازند.

۲. ضرورت تقویت دید بلندمدت

بانک باید دید بلندمدت خود را تقویت کند و تنها به دنبال منافع آنی و زودبازده نباشد. مصداق این نوع تفکر را در شراکت ۴۹ درصد یکی از بانک‌ها با واحد تولیدی در استان می‌توان دید؛ کارخانه‌ای که نسل اول کارکنان خود را بازنشسته کرده و نسل دوم در نیمه‌راه قرار دارند و از نظر کیفیت محصولات در بازارهای بین‌المللی (عربستان، امارات و ارمنستان و ...) با وجود تمام مشکلات پیرامونی حرفی برای گفتن دارد.

۳. تقویت کارشناسان اعتبارات و استفاده از تحلیلگران مالی متخصص باهدف مشارکت

در این زمینه باید از متخصصینی استفاده شود که بتوانند طرح

